

وقتی دیشب رفته بود حموم و اومد با حوله ی گوشه تخت خوابید طوری ک نزدیکم نباشه نشستم روی تخت ک هم پتومون کنار رفت و نگاهم ب رها خورد ک حوله ای ک داشت باز شده بود و رون پای چپش تا شکمش مشخص بود با سینه سمت راستش سعی کردم بیخیال شم و دراز کشیدم خوابیدم

رها:وقتی چشمم و باز کردم دیدم اهورا با شلوارک خوابیده راستش وقتی قراره بخاطر جونس فرار کنم پس ی خاطره خوب برای هردومون میذارم پتو رو کنار زدم و حولمو در اوردم این اواخر گذاشته بودم ناخونم بلند شه ب مردونگیش دست زدم از رو شلوارک وقتی مطمئن شدم شورت نداره لبخند زدمو شلوارکشو اروم اوردم پایین انقدر بزرگ بود ک میتونست منو راحت جر بده اما همش با ملایمت بام رفتار میکرد اما من دیگ دلم میخواست برای آخرین بار خشن باشه میخواستم اینبار سوپرایز بشه از اونجا ک خوابش سبک باید خیلی با دقت کارمو انجام میدادم از تصور کارم خودم خمار میشدم چ برسه اهورا لبمو گاز گرفتم

چون اهورا طاق باز بود کارم راحت تر شد رو زانو دو طرف پهلوش گذاشتم اروم رو مردونگیش نشستم ولی ن جوری ک بره توم فقط خودمو ب اهورا میمالیدم انقد مالیدم ک راست شد نمیدونم اهورا خواب بود یا خودشو زد ب خوابی ولی احتمال گزینه دومی بیشتر بود با ناخونام از سینه تا سیکس پک های اهورا رو چنگ میکشیدم ک اهورا خمار بیدار شد اما منو دید تعجب کردم و تا اومد حرفی بزنه

گفتم:سوپرایز!

تا بیاد بفهمه چخبر خودمو واردش کردم و لمبو دندون گرفتم ک آه نکشم اما نگاه
خمارم ب اهورا بود ک چشاش و بست و آه مردونه ای کشید حس غرور بهم دست
داد ک اهورا دستاشو دو طرف باسنم گذاشت فشار داد اونم خیلی محکم ک صورتم
جمع شد

آخ

اهورا: ناله هاتو از من قائم نکن

خم شدم روش و لبشو لیس زدم خمار نگاهش کردم سرشو آورد جلو ک ببوسدم
عقب بردم سرمو لبخند کوچیکی اومد رو صورتم ک اهورا فهمید نقشمه کمرومو گرفت
و ب خودش فشار داد ک مردونگیش تا ته رفت توم و نفس آه ماندی آروم کشیدم
خیره ب لبم بدون اینکه خودشو ازم جدا کنه چرخید سمت چپ ک جاهامون عوض
شد من زیرش بودم و اون روم اما هیچ تکونی نخورد از قصدش با خبر بودم
میخواست دیوونم کنه اما من حرفه ای از این حرفا بودم پس گردنشو گرفتم و خودمو
بالا کشیدم و شونه چپشو ک بوسیدم لرزید ک گازی از پهنی شونه اش گرفتم ک با
ی دست خودشو نگه داشت نیوفته رو لمبو مماس تنش از شونه هاش تا گردن و
گونش کشیدم و رفتم عقب ک با اون دستش ک ازاد بود و منم نوازش میکرد یهو
موهامو تو مشتش گرفت و کشید رفت سراغ گردنم اولین لیبی ک زد با ضربه
محکمی تلمبه زد اووووم غلیظی گفتم ک اهورا این دفعه گاز گرفت دوباره محکمتر از
قبل زد طوری ک انگار رحمم تکون خورد اما من آخ نگفتم برعکس آه کشداری گفتم

کاربر گرامی جهت مطالعه ادامه رمان " سه دبیرستانی هات " و دانلود فایل کامل این رمان بصورت فایل پی دی اف لطفا آنرا خریداری کنید و سپس مطالعه کنید

جهت خرید و دانلود فایل کامل این رمان اینجا را کلیک کنید